

در روش تملک اراضی توسط دولت به دلیل هزینه‌های بالایی تملک و همچنین با افزایش قیمت املاک منطقه، عملاً اجرای پروژه از توان اقتصادی نهاد متولی خارج می‌شود

مروری سریع بر الگوهای بازسازی و نوسازی کالبدی

یادداشت

محمد هادی عرفان، مدیر اسبق طراحی شهری شهرداری مشهد

و پیش‌فرض تخریب حتمی بافت از نکات مهم این روش است. **کارکردگرایی:** در این نوع نگاه، محوریت اقدامات تبعات اقتصادی اقدام هست و تلاش می‌شود بازسازی و نوسازی هم‌راستا با کارکرد کلی شهر تعریف شود.

انسان‌گرایی: بعضاً تعبیر به مداخله مردم‌گرایانه نیز شده است. در این مکتب، توجه به مردم و نحوه مشارکت آنان مهم انگاشته شده است. مکتب نئوکلاسیک: یا خرده‌گرایانه که تلاش دارد تا بافت قدیمی را از طریق به‌روزرسانی و با حفظ نمادهای آن، همراه با فرآیند توسعه شهر کند.

همچنین می‌توان از این قبیل به مکاتب دیگری مانند، ساختارگرایی، سازمندگرایی، مکتب اکولوژیک، مدرنیسم، پست‌مدرنیسم و نیز برخی دیگر از مکاتب اشاره داشت. از سویی دیگر شکل مداخله می‌تواند حالت‌های گوناگونی **به خود بگیرد.** برخی از این اشکال به شرح زیر است:

بهسازی: که عموماً منظور به‌روزرسانی وضع موجود بافت، همراه با نگاه تعمیر و نگهداری به بناها و بافت هست و بعضاً دارای اهدافی مانند حفظ اسکان در فضاهای موجود، رسمیت بخشیدن به مالکیت حاشیه‌نشین، رسمیت دادن به کالبد و منظر فضاهای حاشیه‌نشین، ایجاد زمینه‌های سیاسی و روحی -

کالبد به‌عنوان بخش فیزیکی و محسوس شهر، معمولاً اولین گزینه ایست که در مداخلات به‌بودجویان مدیران شهری مدنظر قرار می‌گیرد. فارغ از اینکه مداخله کالبدی به چه میزان کاراست، تجربه‌های متنوعی در دنیا در حوزه این نوع مداخله وجود دارد که عموماً ذیل عنوان بازسازی و نوسازی یافت نامیده می‌شود. بدیهی است هر کدام از این روش‌ها معایب و محاسنی دارد و خصوصاً باید با توجه به اقتضائات زمانی‌شان دیده و تحلیل شوند. عمده‌ترین این الگوها یا مکاتب به شرح زیر است:

مکتب فرهنگ‌گرایی: در این روش بازسازی بر مبنای زنده کردن ارزش‌ها و فضیلت‌ها و سنت‌های گذشته طراحی می‌شود. این مکتب مقدم بودن محورهای فرهنگی را به جای مادیات و غلبه کل (شهر) بر جز (انسان) مطرح می‌نماید. در این مکتب تفکر ناحیه‌بندی در شهر وجود ندارد و شهر فقط از طریق سازمان‌های اجتماعی - فرهنگی زنده است. از این مکتب به علت ارزش‌گذاری بیش از حد به گذشته و اینکه زمان را قابل بازگشت می‌دانند، انتقاد شده است.

مکتب ترقی‌گرایی: بعضاً این الگو و مکتب را به سبک بولدور هم تعبیر کرده‌اند. در این الگو، تخریب بولدورزی بافت و نوسازی کامل مدنظر بوده است. طبعاً در اوج دوره مدرنیسم این الگورواج جهانی یافت. بی‌توجهی به بافت موجود

الزامات پیشگیری از زمین‌خواری

در آرزوی اطلاعات شفاف

یادداشت

مهدی پیلهور

مجموعه عوامل مختلفی باعث شده که شهر مشهد به یکی از مهاجرپذیرترین نقاط شهری ایران تبدیل شود. از سوی دیگر کمیابی و گرانی زمین و مسکن در کالبد اصلی شهر مشهد موجب شده تا جمع‌زبانی از مهاجران این شهر بدون رعایت ضوابط و قوانین شهرسازی در قالب ساخت‌وسازهای غیرمجاز اقدام به احداث سکونتگاه‌های غیررسمی کنند و بخش قابل توجهی از زمین‌های شهری را به شکل نامتعارف و غیرقانونی به تصرف خود درآورند. یکی دیگر از دلایل تصرف زمین توسط حاشیه‌نشینان این است که برخی از این اراضی توسط زمین‌خواران بزرگ تصرف و با قیمت ارزان‌تر به حاشیه‌نشینان تحویل می‌شود. بر این اساس این نوشتار در صدد یافتن راه‌های پیشگیری از این روند یعنی زمین‌خواری توسط حاشیه‌نشینان است. به نظر می‌رسد توجه به موضوعات زیر می‌تواند در کاهش و پیشگیری از پدیده زمین‌خواری توسط حاشیه‌نشینان مؤثر باشد:

